

همین تغییر یکی از عواملی است که باعث می‌شود آقای طهماسب، تکرار آقای مجری به نظر نرسد.

۴. در کارهای طهماسب، شخصیت‌ها می‌توانند به سادگی «خودشان» باشند. آن‌ها لازم نیست نقش بازی کنند یا (خودمانی بگویم) «پاستوریزه» به نظر برسند. آن‌ها اتفاقاً از طریق همان خصوصیاتی دل ما را به دست می‌آورند که ممکن است درام‌های خشک سفارشی فقط در صورت تحول تمام‌عیار شخصیت‌ها قابل نمایش باشند. در «کلاه قرمزی» و «مهمونی» قرار نیست تحول‌هایی فرمایشی در کار باشد. بنابراین نحوه تربیت شخصیتی مثل بچه (به خاطر رشد در خیابان و گذشته سختی که از سر گذرانده) مدام در رفتار و گفتارش عیان می‌شود. به این هم توجه کنید که چطور بخش مهمی از علاقه ما به شخصیت پشه به واسطه تمایل اجتناب‌ناپذیرش به نیش زدن دیگران ایجاد می‌شود؛ خصوصیاتی که در دنیای واقعی احتمالاً باعث می‌شود که همواره به پشه‌ها ناسزا بگوییم!

این ویژگی‌های مثبت باعث می‌شوند که برخورد بسیاری از مخاطبان «مهمونی» با نقاط ضعف این برنامه هم همراه با اغماض باشد. به عنوان مثال، سه شخصیت «واقعی» برنامه که کارمندان تالار عروسی هستند، تاکنون کمتر جذابیت دراماتیکی نشان داده‌اند و به نظر نمی‌رسد که پتانسیل آن‌ها برای این که ویژگی‌های جذابی را در ادامه از خود نشان دهند چندان بالا باشد. حتی کاراکترهای عروسکی هم به یک اندازه جذاب نیستند. بعید است بتوان جذابیت بچه و پشه را با کاراکترهایی چون شاپاش، دی‌جی یا کته مقایسه کرد. جذابیت بخش‌های برنامه هم به یک اندازه نیست. به عنوان مثال آیت‌های نمایشی که در میانه حضور میهمانان بخش می‌شوند را به سختی می‌توان از بخش‌های دیدنی و جذاب برنامه محسوب کرد. حتی خود حضور میهمانان هم هنوز به کیفیت مورد انتظار نرسیده و در برخی از موارد به شکلی یکنواخت و خشک برگزار شده است. در مواردی، رفتارهای خود میهمانان یا وقوع برای اتفاقات باعث شده تا گفت‌ووبی بامزه طرف باشیم اما در اکثر موارد چنین نبوده و از حد یک تست بازیگری فراتر نرفته است. تعامل بیشتر میهمانان با کاراکترهای عروسکی می‌تواند راه‌گشای این مشکل باشد (بعید است هیچ کدام از مخاطبان «کلاه قرمزی» شوخی‌هایی همچون شوخی درخشان «خالی خالی» کلاه قرمزی یا نگار جواهریان را از یاد برده باشند). مشخص است که این اتفاق تا حدی در قسمت‌های جدید افتاده است. هر میهمان، در ابتدا یا میانه حضورش، لاقلاً یا یکی از شخصیت‌ها وارد چالش می‌شود. با این وجود، کماکان این چالش به شکلی خط‌کشی شده رخ می‌دهد و به نظر می‌رسد می‌توان روی این برخورد‌ها کار بیشتری انجام داد. هر چند طبیعتاً رفع این مشکلات می‌تواند باعث شود که با مجموعه بسیار بهتری روبه‌رو باشیم اما به نظر می‌رسد این مشکلات برای برخی از طرفداران پروپاقرص «مهمونی» اهمیت چندانی ندارد.

جادوی طهماسب کماکان دارد جواب می‌دهد!

حتی به آقای مجری هم سرایت کرد)، در برخی از موارد هم رفتارهای شخصیت‌ها را می‌بیند و یا به خاطر مهربانی‌اش به روی خود نمی‌آورد یا حتی چنین به نظر می‌رسد که پنهانی از آن رفتار لذت برده است؛ به واسطه اجرای درست این ظرافت‌ها، شخصیت او هم تکراری نمی‌شود و هم با یک شخصیت صرفاً نصیحت‌گر فاصله می‌گیرد. این ویژگی را در «مهمونی» هم (به خصوص در برخورد با کاراکتر بچه) مشاهده می‌کنیم.

۲. چه در «کلاه قرمزی» و چه در «مهمونی»، می‌توان هوشمندی طهماسب و دیگر ایده‌پردازان را در انتخاب هوشمندانه تیپ‌های شخصیتی ستایش کرد. آن‌ها تیپ‌هایی را پرورش داده‌اند و می‌دهند که می‌توانند از جنبه‌هایی برای ما بسیار آشنا باشند به طوری که بسیاری از مخاطبان، در عین لذت بردن از شیرینی این کاراکترها، می‌توانند ارتباطی میان آن‌ها با سبک زندگی خودمان پیدا کنند. معکوس حرف زدن‌های دیبی، معرفت بی‌غل و غش پسر خاله، و خندیدن آقای همساده به فبیج‌ترین حوادث زندگی‌اش و در عوض واکنش منفی‌اش نسبت به هر گونه رفتار محترمانه با خودش از سوی دیگران، همگی فرصت برداشت‌هایی (صریح یا کنایی) را نسبت به برخی از رفتارهای شایع فراهم می‌کردند. حالا، در «مهمونی» هم کاراکترهایی همچون پشه و (طبیعتاً) در رأس همه بچه چنین فرصتی را ایجاد می‌کنند. حتی می‌توان در مورد کاراکتر قیمة هم چنین ایده‌ای را مطرح کرد. اگر رفتارهای خود طهماسب با عروسک‌ها گاه یادآور پدر بزرگ‌های سخت‌گیر و کمی جدی اما مهربان و دوست‌داشتنی است، قیمة می‌تواند ما را به یاد مادر بزرگ‌های دل‌نازک و مثبت‌اندیش «ایرونی» بیاندازد.

۳. حضور در یک پلتفرم اینترنتی به جای تلویزیون باعث شده تا طهماسب محدودیت‌های کمتری برای طراحی و اجرای شوخی‌ها (و همچنین مسائل جدی) پیش رو داشته باشد. حضور شخصیتی مثل بچه با آن پیشینه و رفتار ویژه‌اش، احتمالاً در تلویزیون با محدودیت‌های زیادی روبه‌رو می‌شد. همچنین بچه و پشه در موارد فراوانی شوخی‌هایی انجام می‌دهند که بزرگسالان‌تر از شوخی‌های معمول در مجموعه‌های «کلاه قرمزی» هستند. طهماسب البته بارها ثابت کرده که در همان فضای محدودتر هم می‌تواند ایده‌های بسیار خلاقانه‌ای را به اجرا بگذارد.

اما به نظر می‌رسد کاهش محدودیت‌ها باعث شده تا شخصیت آقای طهماسب در «مهمونی» کمی با آقای مجری «کلاه قرمزی» تفاوت داشته باشد. آقای طهماسب کمی رهاتر از آقای مجری به نظر می‌رسد و گاه حتی در شوخی‌های کمی بزرگسالانه‌تر شخصیت‌ها هم شرکت می‌کند.

احسان دیروز بیری

انتشار خبر تولید برنامه جدید ایرج طهماسب با عنوان «مهمونی» طرفداران پر تعداد او و برنامه‌های خاطره‌سازش را خوشحال کرد. اما با مشخص شدن جزئیات بیشتری از این برنامه، نگرانی‌هایی هم در کنار هیجان اولیه به وجود آمد. از یک طرف، کمتر کسی می‌توانست مجموعه تازه طهماسب را بدون حمید جبلی تصور کند. نبود یار قدیمی طهماسب (که نمی‌توان تأثیر او را در خاطراتی که این جمع دونفره دوست‌داشتنی برای ما ساخته‌اند انکار کرد) تردیدهایی را در مورد توانایی «مهمونی» برای تبدیل شدن به یک مجموعه خاطره‌ساز ایجاد کرده بود. از سوی دیگر، این بار دیگر خبری از عروسک‌های قدیمی و شناخته‌شده نبود و طهماسب و همکارانش باید تیپ‌های جدیدی را از ابتدا خلق می‌کردند. با توجه به این که بخشی از همدلی سریع مخاطب با عروسک‌های چند مجموعه «کلاه قرمزی» ناشی از شناخت پیشین اواز آن کاراکترها بود، این نگرانی وجود داشت که برای برقراری ارتباط میان مخاطب و کاراکترها، نیاز به زمان باشد و بنابراین «مهمونی» در چند قسمت اول نتواند نظرات چندان مثبتی را از سوی تماشاگران در یافت کند. فراموش نکنید که در این سال‌ها، اضافه کردن کاراکترهای جدید عروسکی به مجموعه «کلاه قرمزی»، به پشتوانه حضور چند کاراکتر دیگر قدیمی و تثبیت‌شده، کاری به‌مراتب ساده‌تر بوده تا آغاز کار با کاراکترهایی کاملاً جدید.

آغاز نمایش مجموعه «مهمونی»، لاقلاً بخشی از نگرانی‌ها را برطرف کرد. هر چند بخش قابل توجهی از قسمت اول صرف معرفی فضا و شخصیت‌های جدید شد اما تعدادی از این کاراکترها (بیش از همه پشه و بچه) توانستند به سرعت جای ویژه‌ای در دل تماشاگران «مهمونی» به دست بیاورند. با انتشار چند قسمت از این مجموعه، به نظر می‌رسد که «مهمونی» از جنبه‌هایی ادامه همان الگوهایی است که طهماسب و همکارانش در مجموعه‌های «کلاه قرمزی» پیاده می‌کردند، از جنبه‌هایی هم رهاتر و جسورانه‌تر از «کلاه قرمزی» به نظر می‌رسد و البته بخش‌هایی از مجموعه هنوز به نتیجه مناسب نرسیده است. چه ویژگی‌هایی باعث می‌شود که ایرج طهماسب بتواند با مجموعه‌های متفاوت و علی‌رغم حضور شخصیت‌های مختلف، دل مخاطبان پرشماری را به دست بیاورد؟ تعدادی از این دلایل (البته به‌جز مواردی بدیهی همچون کیفیت طراحی عروسک‌ها، صدایشکی و عروسک‌گردانی یا بامزه بودن ایده‌ها) را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. نگاه اول، چه شخصیت آقای مجری در مجموعه‌های «کلاه قرمزی» و چه شخصیت طهماسب در «مهمونی»، یادآور بزرگ‌ترهای خیلی از ما به نظر می‌رسند: بزرگ‌ترهایی که همواره سعی می‌کنند کوچک‌ترها را نصیحت و آن‌ها را به مسیر درست هدایت کنند. این تصویر، اتفاقاً تصویر چندان همدلی‌برانگیزی نیست. چند نفر از ما به نصیحت‌شنیدن‌های تقریباً مداوم علاقه داریم؟ آن چه کنش و واکنش میان آقای مجری و عروسک‌ها را در «کلاه قرمزی» و آقای طهماسب و عروسک‌ها را در «مهمونی» دل‌پذیر و جذاب جلوه می‌دهد، شیطنت‌های طهماسب در واژگونی گاه‌وبی‌گاه جایگاه شخصیت‌ها است. طهماسب گاه عمداً در مقابل عروسک‌هایی که از اصول اخلاقی «رسمی» تخطی می‌کنند کوتاه می‌آید یا کم می‌آورد، در مواردی تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرد (یکی از ایده‌های بامزه یکی از مجموعه‌های «کلاه قرمزی» وقتی بود که برق رفت، کلاه قرمزی و پسر عمه‌ها با حالتی هراسان شروع به صحبت در مورد «هیولا»هایی چون «کته کولا» و «آذر پشمک‌بهر» کردند و ترس آن‌ها به تدریج

